أَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَخَلِّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالِغْ فِي الِاسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا»: «وضو را کامل نموده و بین انگشت ها را خلال کن و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی

از لقیط بن صبره رضی الله عنه روایت است که می گوید: من نماینده ی بنی منتفِق بودم - یا در میان نمایندگان بنی منتفق بودم - که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتیم و ایشان را در خانه اش نیافتیم و با ام المومنین عایشه روبرو شدیم؛ ایشان دستور داد برای ما آبگوشت درست کنند. و برای ما یک ظرفی از خرما آورده شد؛ در این هنگام بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و فرمود: «هَلْ أَصَبْتُمْ شَيْئًا؟ - أَوْ أُمِرَ لَكُمْ بِشَيْءٍ؟»: «آیا غذایی خورده اید؟ یا دستور آماده شدن غذایی داده شده؟». گفتیم: بله ای رسول الله؛ با رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم که چوپان، گوسفندان را درحالی به طویله آورد که به همراه او بره یا بزغاله ای بود که بع بع می کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ««مَا وَلَّدْتَ يَا فُلَانُ؟»: «فلانی، چه زاییده است؟»، چوپان گفت: ماده است، فرمود: «فَاذْبَحْ لَنَا مَكَانَهَا شَاةً»: «به جای آن گوسفندی را برای ما ذبح کن»، سپس فرمود: «لَا تَحْسَبَنَّ - وَلَمْ يَقُلْ: لَا تَحْسِبَنَّ أَنَّا مِنْ أَجْلِكَ ذَبَحْنَاهَا، لَنَا غَنَمٌ مِائَةٌ لَا نُرِيدُ أَنْ تَزِيدَ، فَإِذَا وَلَّدَ الرَّاعِي بَهْمَةً، ذَبَحْنَا مَكَانَهَا شَاةً»: «گمان نکن به خاطر تو آن گوسفند را ذبح کردیم؛ ما تعداد صد گوسفند داریم که نمی خواهیم بر تعداد آنها افزوده شود؛ بنابراین چون بره ای به دنیا می آید، به جای آن گوسفندی را ذبح می کنیم»، گفتم: ای رسول الله، من زنی بد دهان دارم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فَطَلِّقْهَا إِذًا»: «او را طلاق بده»، گفتم: ای رسول الله، همنشین من است و از او فرزند دارم، فرمود: «فَمُرْهَا يَقُولُ: عِظْهَا فَإِنْ يَكُ فِيهَا خَيْرٌ فَسَتَفْعَلْ، وَلَا تَضْرِبْ ظَعِينَتَكَ كَضَرْبِكَ أَمَيَّتَكَ»: «برو و او را به آرامی پند و اندرز بده، اگر در او خیری باشد به آنچه امرش می کنی عمل نموده و از تو اطاعت می کند؛ (در غیر این صورت) همسرت را همچو کنیزت نزن»، سپس گفتم: ای رسول الله، در مورد وضو به من بگو؟ فرمود: «أَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَخَلِّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالِغْ فِي الِاسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا»: «وضو را کامل نموده و بین انگشت ها را خلال کن و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی».

[صحيح] [رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجه]

لقیط بن صبره رضی الله عنه گفت که با جمعی از افراد قومش بنی منتفق نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ما رسول الله صلی الله علیه وسلم را در خانه اش نیافتیم، و ام المومنین عایشه رضی الله عنها را یافتیم و ملاقات کردیم؛ ایشان دستور داد برای ما آبگوشت درست کنند، و برای ما یک ظرفی از خرما آورده شد. در این هنگام بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و فرمود: آیا برای شما چیزی از غذا آوردند؟ گفتیم: بله، لقیط گفت: با رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم که چوپان، گوسفندان را درحالی به طویله آورد که به همراه او بره یا بزغاله ای بود که بع بع می کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: چه زاییده است چوپان گفت: ماده است. فرمود: به جای آن گوسفندی را برای ما ذبح کن، سپس او صلی الله علیه وسلم فرمود: گمان نکن به خاطر تو آن گوسفند را ذبح کردیم؛ ما تعداد صد گوسفند داریم که نمی خواهیم بر تعداد آنها افزوده شود؛ بنابراین چون بره ای به دنیا می آید، به جای آن گوسفندی را ذبح می کنیم، لقیط گفت: گفتم: ای رسول الله، من زنی زبان دراز و بد سخنی دارم، با او چه کار کنم؟ فرمود: پس او را طلاق بده. گفتم: ای رسول الله، با او همنشینی طولانی دارم، و از او فرزند دارم. فرمود: او را به آرامی پند و اندرز بده، اگر در او خیری باشد به آنچه امرش می کنی عمل نموده و از تو اطاعت می کند؛ اگر از تو اطاعت نکرد او را به نرمی بزن، و همسرت را همچو کنیزت نزن. سپس لقیط گفت: ای رسول الله، در مورد وضو به من بگو. فرمود: هنگام وضو، آب را بر مواضع آن برسانید، حق هر عضو را ادا نمایید، و هیچ یک از فرایض و سنت های آن را ترک نکنید، و هنگام شستن، انگشتان دست و پاهایت را از هم جدا کنید و هنگام وضو در کشیدن و بیرون آوردن آب در بینی تان غلو کنید، مگر اینکه تصمیم گرفتن روزه را داشته باشید، تا مبادا آب وارد معده شما نشود.

